

کرب:

نگاهی به مراسم عزاداری دههٔ محرم در لاهیجان

طاهر وحیدی / استادیار دانشکده معماری و هنر دانشگاه گیلان
فاطمه کشاورز خالقی / کارشناس ارشد مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی
مینو خاکپور / کارشناس ارشد معماری، مربی دانشگاه علم و فرهنگ - شعبه رشت

چکیده

پس از واقعهٔ کربلا، ماه محرم در گسترهٔ سرزمین ایران، جایگاه خاصی یافت. تفرق فرهنگی بر بستر تنوع اقوام در ایران، موجب تفاوت‌های کیفی در برگزاری مراسم عزاداری این ماه است. با توجه به پیشینهٔ تاریخی لاهیجان، این شهر نیز دارای آدابی ویژه برای برگزاری این آیین‌ها در ماه محرم است که توجه به جایگاه مقابر در محدودهٔ مرکزی شهرکنونی، بر اهمیت موضوع افزوده است. از این رو، مردم این خطه، در زنده نگه‌داشتن این جایگاه، به ویژه در روزهای محدود از سال و تحت عنوان عزاداری ماه محرم، اهتمام وافر دارند. از جملهٔ این مراسم، عزاداری کربداران حسینی، معروف به «کربزنی» است. تلاش نگارندگان این مقاله در زمینهٔ ثبت چرایی و چگونگی برپایی این مراسم، با توجه به منحصر به فرد بودن آن است؛ زیرا سرعت تغییرات، موجب تحوّل در نحوهٔ برگزاری مراسم و در نتیجه، مفقود شدن اشکال اولیهٔ این آیین‌ها می‌گردد. در این میان، ریشه‌های برخی از این رسوم نیز بررسی شده است. روش تحقیق به صورت «توصیفی - تحلیلی» در کنار برداشت میدانی بوده است.

کلیدواژه‌ها: لاهیجان، عزاداری، محرم، کربزنی.

مقدمه

مراسم عزاداری ماه محرم به سبب بعد تاریخی و وجه دینی واقعه عاشورا، بسیار با اهمیت تلقی می‌شود. اما وجه آیینی این مراسم، که بر بستر فرهنگی زندگی اقوام گوناگون قرار می‌گیرد، نمودهایی بس شگفت‌انگیز دارد که گاه اصل اتفاق را به لایه‌های درونی برده، در هاله‌ای از قداست محض قرار می‌دهد و لایه‌های بیرونی را، که برخاسته از قومیت و فرهنگ اقوام است، متفاوت می‌کند. این لایه‌ها، که با توجه به آداب زندگی اقوام گوناگون، متغیر است، با گذر زمان و سیر تحول روش‌های زندگی به شدت و با شتاب، در معرض تغییرات کمی و کیفی قرار گرفته است، به گونه‌ای که اصل این آیین‌ها یا بکلی از بین رفته و به فراموشی سپرده شده است و یا به گونه‌ای تغییر یافته که جوهر آن به سبب قطع ارتباط با زندگی روزمره مردم، در معرض آسیب جدی قرار گرفته، از شکل خالص خود جدا شده و به صورت پوسته‌ای عاری از هویت، نمود پیدا کرده است. از این رو، ضرورت حفظ و صیانت از این آیین‌ها جدی به نظر می‌رسد. آنچه نگارندگان تلاش بر آن دارند، جست‌وجویی درباره علت وجودی مراسم «کرب‌زنی»، جایگاه آن در زندگی مردم و چگونگی برگزاری این مراسم در ایام ماه محرم در شهرستان لاهیجان است. بنابراین، در ابتدا تاریخچه شهر به سبب توجه و گرایش مردم به تشیع، محلات و نیز بقاع واقع در آن‌ها برای بررسی اهمیت هسته اولیه شهر در برگزاری این مراسم و سپس نقش و جایگاه مقابر در تعیین مسیر دسته‌های عزا، ویژگی‌های کرب و اشکال نواختن آن، اشعار رایج و برخی حاشیه‌های اجرای مراسم بررسی می‌شود. پیشینه پژوهش مقاله‌ای با نام «تعزیه و کرب‌زنی - مراسم آیینی تهران» از محمدجواد ناطق‌پور است که با توجه به موقعیت جغرافیایی، از محتوایی منفک از موضوع تحقیق حاضر برخوردار است.

تاریخچه لاهیجان

لاهیجان از نظر موقعیت و ویژگی‌های تاریخی، یکی از شهرهای مهم استان گیلان به شمار می‌رود و مدت‌ها مرکز بخش «بیه پیش»^۱ بوده است. آب و هوای لاهیجان از نوع معتدل خزری است که در بخش جلگه‌ای، معتدل و مرطوب و در قسمت کوهستانی، سردسیر است.

۱. در جغرافیای فرهنگی مردم گیلان، این سرزمین به دو منطقه عمده تقسیم می‌شد. در کتاب *حدود العالم من المشرق الی المغرب*، که در سال ۳۷۷ق تالیف شده، درباره جغرافیای منطقه و محدوده گیلان، آن را به دو بخش «بیه‌پس» و «بیه‌پیش» تقسیم کرده که مرز میان این دو، رودخانه سفیدرود است. (ادیب عباسی، ۱۳۸۸، ص ۳۳)

نام «لاهیجان» در جغرافیای عمومی *حدود العالم* نیامده است و به نظر می‌رسد که در قرن چهارم هجری (۳۷۲ ق) نام و نشانی نداشته است. شهر لاهیجان در قرون سوم تا پنجم هجری، در محل کنونی روستای «چفل»، در میانه راه امروزی بازکیاگوراب به سیاهکل قرار داشت و از قرن پنجم، به تدریج، به محل امروزی انتقال یافت. از ابتدای قرن ششم هجری به مرکز حکومت سادات مؤیدی تبدیل شد و سپس ناصرونان بر آن چیره شدند. نام «لاهیجان» در نقشه ادریسی^۱ به سال ۵۳۲ خورشیدی (۱۱۵۴ م) آورده شده است. (تصویر ۱) در یادداشت‌های *خواجه اصیل‌الدین محمد زوزنی* به سال ۶۵۰ ق نیز نام لاهیجان آمده است؛ بدین شرح که اولین ناحیه شرقی گیلان خطه لاهیجان است و قوم آن ناصری مذهب هستند. (سرتیپ‌پور، ۱۳۷۱، ص ۴۷۰)



تصویر ۱): نقشه ادریسی و موقعیت شهر لاهیجان بر آن که با علامت مشخص شده است. (منبع: ادریسی) از قرن هشتم، سادات کیایی حکومت خود بر لاهیجان را آغاز کردند و دوران حکومت کیاییان از ادوار شکوهمند تاریخ لاهیجان به شمار می‌رود. گیلانیان از نیمه دوم سده دوم هجری و پس از چیرگی اعراب بر منطقه و برپاداشتن حکومت‌های محلی، اسلام را پذیرفتند و از علویان در مخالفت با عباسیان حمایت می‌کردند. علویان نیز در پی یافتن پناهگاهی امن، به کوه‌ها و

۱. نقشه شریف ادریسی (محمد بن محمد بن عبدالله بن ادریس بن یحیی بن علی بن حمود بن میمون بن احمد بن علی بن عبدالله بن عمر بن ادریس بن عبدالله بن حسن بن حسن بن علی بن ابی‌طالب) متولد ۵۴۹ ق در شمال مراکش و مؤلف کتاب *نزهة المشتاق فی اختراق الآفاق* است. او به ایران سفر نکرده و گزارش ایران را از منابع جغرافیایی - تاریخی نویسندگان قبل از خود برداشت کرده است. نسخه اصلی کتاب به خط ادریسی در موزه ملی هامبورگ موجود است.

جنگل‌های گیلان پناه بردند. در سده‌های بعد، جنبش سیاسی و مذهبی علویان در بین مردم طرفدار یافت. پس از ورود علویان، به تدریج، آهنگ ورود مهاجرت سادات علوی سرعت گرفت، به گونه‌ای که دیلمیان با کمک تفکر شیعی و یاری نوادگان اهل بیت علیهم‌السلام مانند یحیی بن عبدالله، نوه امام حسن علیه‌السلام و نیز حسین بن زید، حکومت‌های محلی پدید آوردند. (فاخته، ۱۳۸۶، ص ۱۲) این حکومت‌ها در برابر حکومت همسایگانی مانند صفاریان و نیز سامانیان مقاومت کردند، به گونه‌ای که پس از مدتی سرداران گیل و دیلمی در صدد دستیابی به قدرت مستقل برآمدند. به تدریج، این حرکت‌ها سرآغاز تشکیل حکومت زیاریان و بویه‌یان و گسترش این حکومت‌ها به دیگر نقاط ایران شد. آنان که خود را از اسلاف شاهان ایران باستان می‌دانستند سعی در آشتی دادن سلطنت ایرانی و خلافت اسلامی داشتند. (همان، ص ۴۰) پس از سلطه حکومت‌های ترک در ایران، گیلان استقلال خود را حفظ نمود و نفوذ آیین اسماعیلیه، به ویژه در کوه‌های گیلان، به نیت یکپارچگی در برابر اعراب و ترکان در این زمان شدت گرفت. اقوام گیل و دیلم، با وجود ستیز با یکدیگر، همواره در مقابل دشمن خارجی مقاومت می‌کردند و این امر تا زمان ورود مغول‌ها به ایران ادامه یافت.

رایینو در کتاب *ولایات دارالمرز ایران؛ گیلان*، درباره لاهیجان نوشته است: این شهر به وسیله لاهیج بن سام بن نوح ساخته شده است. لاهیجان در گذشته، به نام «دارالاماره» یا «دارالامان» معروف بوده و بعدها به نام «لاهیجان المبارک» نامیده شده است. (رایینو، ۱۳۷۴، ص ۳۳۹) با استناد به کتاب‌های *تاریخ خانی* و پس از آن، *تاریخ گیلان*، که جزو اولین اسناد مکتوب درباره گیلان است، این شهر تا مدت‌ها از تفوق مطلق نسبت به دیگر مناطق گیلان برخوردار بوده؛ زیرا دیگر مناطق عموماً امیرنشین بودند و حال آنکه لاهیجان اولین منطقه با فرهنگ شهرنشینی در گیلان بوده است. حمدالله مستوفی در کتاب *نزهة القلوب*، از لاهیجان با عنوان «شهری بزرگ و دارالملک جیلانات» نام می‌برد. در پی حمله مغول‌ها به ایران و گیلان، لاهیجان در سال ۷۰۶ ق به وسیله الجایتو اشغال شد و قدرت و نفوذ دیلمیان و اسماعیلیان در گیلان به پایان رسید و دیلمان به زیر فرمان لاهیجان رفت. این شهر تا سال ۸۰۶ ق مرکز حکومت سادات کیایی بر ناحیه بیه پیش گیلان بود. کیاییان زیدی مذهب از دشمنان اصلی دیلمی‌های اسماعیلی بودند. بدین سان، گیل‌ها (اهالی جلگه) توانستند به حکومت دیلمیان (اهالی کوهستان) پایان دهند و نام منطقه را از «دیلمستان» به «گیلان» تغییر دهند.

تا زمان سلطه صفویان، این شهر مرکز حکومت سلسله کیایی در گیلان بود. این خاندان در تمام امیرنشین‌های بیه پیش و بیه پس، پر آوازه‌ترین حاکمان گیلان در سده‌های هشتم تا یازدهم قمری به شمار می‌آیند. در این میان، لاهیجان فراز و نشیب‌های فراوان، از جمله زلزله سال ۸۹۰ ق و غارت سال‌های ۹۰۸، ۹۱۰ و ۹۱۴ ق را پشت سر گذاشته است.

به نظر می‌رسد نام شهر «لاهیجان»، مرکب از واژه‌های «لاه»، «ی نسبت»، «ج صامت میانجی» و «ان جمع» باشد، یعنی «لاه ی ج ان» یا «لاهی گان» یا منسوب به «لاه» که به معنای ابریشم است؛ زیرا آبادی‌های لاهیجان یکی از مراکز مهم تولید پيله و ابریشم و تهیه دست‌بافت‌های ابریشمی بوده است. (سرتیپ‌پور، ۱۳۷۱، ص ۴۷۱)

قومیت اهالی شهرستان لاهیجان گیلک است و به زبان گیلکی با لهجه بیه پیش (شرق گیلان) و گویش لاهیجانی سخن می‌گویند.

محلات لاهیجان

هسته اولیه لاهیجان از هفت محله اصلی تشکیل شده که عبارت بودند از: خمیرکلاویه، اردوبازار، میدان، گابنه، شهربافان، پُرده‌سَر و کاروان‌سرابر. در کنار این محله‌های اصلی، تعدادی محله‌های فرعی نیز بر محوریت مسجد و یا بقعه به وجود آمدند که در ادامه، در خصوص هریک از محلات توضیحاتی ارائه می‌شود:

۱. **خمیرکلاویه:** «خومر» در اصل، به معنای سفالگر است. این محله در ادوار قدیم، محل سکونت حکام شهر و نزد عموم مردم شهر، از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. سه مسجد در این محله وجود دارد که یکی از آن‌ها به نام «سلیمانیه» موسوم است که مدرسه‌ای نیز در جوار آن قرار دارد. این محله دارای زیارتگاه‌هایی به نام «آقا سیدعلی کیا»، «سلیمانیه»، «آقا سید اسماعیل» است. (ستوده، ۱۳۵۱، ج ۲، ص ۷۷) محله «غریب آباد» یکی از زیرمحله‌های مهم خمیرکلاویه است.

۲. **اردوبازار:** این محله نزدیک محله میدان واقع است و در گذشته به نام «قلعه یا قصر» معروف بوده. این قلعه، که محله نام خود را از آن گرفته است، در سال ۹۱۴ ق به وسیله سپاهیان امیر حسام‌الدین فومنی ویران گردید و سلطان احمدخان در تجدید بنای آن، دو سال وقت صرف نمود. در سال ۱۰۰۰ ق شاه عباس فرمان داد تا سپاهیان در اطراف این قلعه اردو زدند و نام این محله از

آن زمان به «اردو بازار» تغییر یافت. (سرتیپ‌پور، ۱۳۷۱، ص ۴۷۱) منوچهر ستوده طی بازدیدی که در سال ۱۳۴۹ خورشیدی انجام داده، از تپه‌ای با چند آجر باقی‌مانده در محل، که حاکی از باقی‌مانده‌های قلعه است، یاد می‌کند؛ (همان) اما امروزه دیگر کوچک‌ترین نشانی از آن باقی نمانده است. (تهرانی، ۱۳۸۱، ص ۳۴۷)

۳. میدان: این منطقه از قدیمی‌ترین محلات شهر است که در میانه جنوبی آن قرار دارد. در گذشته، این محل از میدان بزرگی با تعداد زیادی دکان تشکیل شده بود. از معتبرترین زیارتگاه‌های شهر، بقعه «چهار پادشاهان» (چهار پادشاه کیایی) است که در این محله قرار دارد. «مسجد جامع» و ۹ بقعه دیگر به نام‌های «سید رضی»، «سید احمد یمنی»، «پیر رضا»، «سید حسین»، «سید ابوالقاسم امام جمعه»، «شیخ باقر»، «سید محمد»، «سید احمد» و «سید حسن» نیز در این محله واقع هستند.

۴. گابنه: دو زیارتگاه قدیمی به نام «آقا پیرعلی» و «آقا میر ابراهیم» و نیز مسجد «اکبریه»، از مهم‌ترین مساجد شهر در این محله واقع شده‌اند. مسجد اخیر دارای سه گنبد مجلل و تزیینات منحصر به فرد است. امروزه با وجود تأسیس بناهای مذهبی جدید، این بنا همچنان دارای شکوهی منحصر به فرد است. این محله بافت قدیمی و کوچه‌های پر پیچ و خم خود را کم و بیش حفظ کرده است.

۵. شعر بافان: این محله با نام قدیمی «کوهستانکی»، به سبب آنکه از مراکز مهم پرورش کرم ابریشم و تبدیل پيله به نخ ابریشم و نیز محله بافندگان و نساجان بوده، به محله «شعربافان» تغییر نام داده و از مراکز مهم تجارت این کالای بازرگانی و مبادله آن با فلات مرکزی ایران، برای بافت فرش در آن مناطق به شمار می‌آمده است، هرچند امروزه اثری از بافندگی در آن دیده نمی‌شود. بقعه «آقا سید محمد یمنی» در این محله در کنار گورستان شهر قرار دارد. زیارتگاه‌های «میرفاضل» و «سنگ مزار» و «تاج مهدی» و نیز مسجد «المهدی علیه السلام» در این محله قرار دارند.

۶. پرده‌سر: نام این محله از پلی که به نام «پُرد»^۱ تخته‌ای معروف بود و روی رودخانه لاهیجان قرار داشت، گرفته است. در زمان شاه عباس، پلی آجری را جایگزین آن کردند که اکنون نیز وجود دارد. این محله دارای سه زیارتگاه به نام‌های «ملاعقل»، «آقا سید ابراهیم» و مقبره «آقا سید مرتضی» است. دو مقبره اول از اهمیتی خاص برخوردارند که در ادامه، اشاره خواهد شد.

۱. در گویش گیلکی به پل، «پورد یا پُرد» گفته می‌شود.

۷. کاروان سرابر: این محله در بخش غربی شهر لاهیجان قرار دارد. در قدیم، به سبب مجاورت با مهم‌ترین کاروان‌سرای شهر که توسط شاه عباس بر سر راه رشت به ساری ساخته شده بود - به نام «کاروان سرابر»، یعنی محلی که در مجاورت کاروان‌سرا قرار دارد، نامیده شده است.

۸. امیر شهید: منطقه‌ای که بقعه «امیر شهید» در آن واقع شده، محله‌ای فرعی بوده است که به نظر می‌رسد به سبب قرب میر شهید (سید محمد فیروزکوهی که از بازماندگان سادات زیدی بود و در ستیز با دشمنان کشته شد) نزد اهالی و شاخص بودن این بقعه، این محله به این نام خوانده شده و موجودیت پیدا کرده است. (تصویر ۲)



تصویر (۲): موقعیت محلات لاهیجان در این نقشه، محدوده هفت محله اصلی و محله «امیر شهید» با شماره هشت مشخص شده است.

بقاع متبرگ

نزد مردم لاهیجان، تعدادی از بقاع متبرگ از اهمیت خاصی، به ویژه در ماه محرم و یا ایام نزدیک به آن، برخوردارند. این بقاع به عللی که نامعلوم است، از میان بقاع متبرگ شهر انتخاب شده و از آن‌ها به عنوان پایگاه حرکت دسته‌های عزا استفاده و یا در آن‌ها مراسمی خاص برگزار می‌شود. در ذیل به اختصار، به تاریخچه چند بقعه اشاره می‌شود:

۱. این محله در ماه محرم جزو محله‌هایی است که به صورت مجزا دسته‌های عزاداری دارد؛ اما در محدوده شهری جزو محله‌های اصلی نیست. به نظر می‌رسد این موضوع ریشه در احترام بقعه «آقا امیر شهید» نزد اهالی دارد. به عبارت دیگر، در ماه محرم، در هشت محله، مراسم عزای امام حسین علیه السلام برگزار می‌شود.

۱. شیخ زاهد گیلانی: مراد از «شیخ زاهد گیلانی»، شیخ صفی‌الدین اردبیلی است که در سال ۷۱۴ق فوت کرد. تاریخ ساخت ضریح مربوط به او به سال ۸۲۲ق بوده و مطابق اسناد سازمان میراث فرهنگی، این آرامگاه طی سالیان، تغییرات فراوانی داشته است.
۲. سیدمحمد یمینی: آقا سید محمد قریب ۶ قرن پیش، از یمن به لاهیجان آمد. (راینو، ۱۳۷۴، ص ۳۸۴) آرامگاهش در منتهی‌الیه جنوب شرقی شهر و جنب گورستان قدیمی لاهیجان واقع است.
۳. سیداحمد یمینی بن موسی بن جعفر: ایشان از فرزندان موسی بن جعفر علیه السلام بوده و مدفن وی در محله «میدان» است. حسینیه‌ای در کنار این بقعه هست و اطراف بقعه گورستانی قدیمی قرار دارد.
۴. چهار پادشاهان (چهار اولیا): این مجموعه مربوط به سلاطین سلسله زیدی مذهب امیر کیایی است. اولین مقبره در سال ۶۴۷ق و مربوط به سید خرم کیا است. بعدها افراد دیگری از آن سلسله به سبب کشته شدن در کارزار رشت و قرب نزد اهالی و به دستور سید هادی کیا به این مکان منتقل شدند. این بنا در سال ۷۹۱ق ساخته شده است. (ستوده، ۱۳۵۱، ج ۲، ص ۹۹) این مکان نزد مردم شهر از اهمیت زیادی برخوردار است و هر ساله در دهه اول محرم تمام دسته‌های عزاداری در این مکان گرد هم می‌آیند. این مجموعه از دو بنای مجزا و نزدیک به هم تشکیل شده است.
۴. آقامیر (امیر) شهید: این سید فیروزکوهی در هشت قرن قبل به لاهیجان آمده و در آنجا وفات یافته است. (راینو، ۱۳۷۴، ص ۳۴۳) برخی ایشان را از فرزندان امام موسی کاظم علیه السلام دانسته‌اند. (عبّاسی، ۱۳۸۶، ص ۷۹)
۵. میر شمس‌الدین: مقبره متعلق به امیر شمس‌الدین الحسینی (و یا امیر شمس‌الدین موسوی) است. تنها تاریخ مکتوب درباره این بقعه، حکایت از زمان ساخت ضریح در سال ۱۰۱۷ق دارد. (راینو، ۱۳۷۴، ص ۳۴۳) این زیارتگاه، که بیشتر یک مجموعه مذهبی - فرهنگی است، در مقیاس شهری در مکانی قرار گرفته که رابط دو معبر مهم در محله «اردوبازار» است.
۶. آقا میرصادق: این بقعه در محله «اردوبازار» واقع و نزد مردم از احترام خاصی برخوردار است. بنا دارای نقاشی‌های دیواری با مضمون مذهبی و مناظری از صحرای کربلاست.
۷. آقامیر ابراهیم: برخی او را از فرزندان امام موسی کاظم علیه السلام می‌دانند. بر بدنه صندوق این بقعه، تاریخ ۱۲۵۳ق حک شده است.
۸. آقا پیر (سید) رضا: ایشان را از فرزندان امام موسی کاظم علیه السلام دانسته‌اند. این مزار در محله «تکیه‌بر»، یکی از محلات وابسته به محله «میدان» قرار دارد.

مراسم عزاداری در ماه محرم

اهالی محله‌ها پیش از شروع ماه محرم، محلهٔ خود را برای برگزاری مراسم باشکوه آماده می‌کند. عزاداران در صحن برخی مساجد، ایوان‌های بلند چوبی درست کرده، پرچم‌های سیاه و سبز و چراغ‌های قدیمی (امانت گرفته شده از منازل مسکونی) را با تصاویری از خادمان متوفای مساجد، روی سگوها می‌گذارند و بیرق‌هایی نیز بر سگوها نصب می‌کنند. یکی دیگر از مراسم این ماه، «علم‌بندی» است. در روزهای اول تا هشتم محرم، مردم هر محله علم کوچکی را که از یک یا سه شاخه تشکیل شده، با پارچهٔ سبز مزین کرده و پس از خواندن دعا، آن را به همراه دستهٔ سینه‌زن، ابتدا در محلهٔ خود و سپس محلات همجوار می‌چرخانند و در آخر، علم را به مسجد محلهٔ خود آورده، به دیوار مسجد نصب می‌کنند. این مراسم در غروب روز قبل از محرم (آخرین روز ماه ذی‌حجه) در بقعهٔ «شیخ زاهد»، غروب روز اول ماه محرم در محلهٔ «امیر شهید» (بقعه امیر شهید)، غروب روز دوم در محلهٔ «میدان» (بقعهٔ چهار پادشاهان)، غروب روز سوم در محلهٔ «تکیه‌بر» (بقاع آقا سید احمد یمنی و آقا سید رضا)، غروب روز چهارم در محلهٔ «شعربافان» (بقعه آقا سید محمد یمنی)، غروب روز پنجم در محله‌های «اردوبازار» (بقعه میر شمس‌الدین) و «گابنه» (بقعه امیر صادق)، غروب روز ششم در محلهٔ «خمیر کلایه» (مسجد خمیر کلایه)، غروب روز هفتم در محلهٔ «کاروان سرابر» (مسجد کاروان سرابر) و غروب روز هشتم در محلهٔ «غریب آباد» (مسجد محله) برگزار می‌شود.

علاوه بر موارد مزبور، مراسم عزاداری از شب ششم ماه محرم با شکل جدیدی آغاز می‌شود. طبق تقویمی که در بین مردم رایج است، عزاداری در هر شب، توسط اهالی یکی از محلات اجرا می‌شود. اهالی محله‌ای که عزاداری در محلهٔ آن‌ها برگزار می‌شود، در مرکز محلهٔ خود کنار مسجد یا بقعه جمع شده، از آنجا حرکت کرده، به تمامی محلات اصلی سر زده و دوباره به محلهٔ خود باز می‌گردند. در نهایت، شام را در مسجد محلهٔ خود صرف می‌کنند. مطابق این برنامه از پیش تعیین شده، مراسم عزاداری شب ششم با محلهٔ «پمپ بنزین» (محله‌ای جدید)، شب هفتم با محلهٔ «آقا امیر شهید»، شب هشتم با محلهٔ «شعربافان»، شب نهم (تاسوعا) با محلهٔ «گابنه»، و شب

دهم (عاشورا) با محله «اردوبازار» است. در این شب، مراسم خاص «چهل منبر»^۱ و «هفت کلکه»^۲ و پس از آن مراسم «زاری زاری»^۳ با اشعار گیلکی در تمام محله‌های قدیمی برگزار می‌شود. روز عاشورا تمامی محلات از صبح تا اذان ظهر دسته‌های عزاداری برپا می‌کنند. در پایان روز دهم و غروب روز عاشورا (شب یازدهم)، مراسم شام غریبان در محله «امیر شهید» برگزار می‌شود و پس از آن مردم برای شرکت در مراسم «ملائکه»^۴ به محله «پرده‌سر» می‌روند. عزاداری در شب دوازدهم با محله «خمیرکلایه» - با اجرای مراسم قوم بنی‌اسد^۵ - شب سیزدهم با «محله غریب‌آباد»، شب چهاردهم با محله «کاروان‌سرابر»، شب پانزدهم با محله «آقا سیدحسین» و در شب هفدهم، که شب هفتم امام علیه السلام می‌شود، با محله «میدان» است. در این شب، مراسمی که با گرداندن شتر همراه است، برگزار می‌شود. در شب چهارم امام معصوم علیه السلام، دسته‌های عزاز

۱. مراسم «چهل منبر»: این مراسم در تاسوعا (شب عاشورا) پیش از مراسم عزاداری محله «اردوبازار»، در تمامی محله‌های قدیمی انجام می‌شود. هر منبر شامل میزی است که روی آن ظرفی برای گذاشتن خرما، منقلی برای انداختن شمع‌های رشته‌ای و ظرفی پر از برنج قرار دارد. در این مراسم، افرادی که نذری دارند، در سکوت کامل، در محله‌های قدیمی حرکت می‌کنند و در هر منبر، یک خرما گذاشته و یک شمع روشن می‌کنند و چند دانه برنج برمی‌دارند. این کار را در چهل منبر انجام می‌دهند و در نهایت، برنج‌های برداشته را با برنج خانه خود مخلوط می‌کنند و اعتقاد دارند که این کار، برکت خانه را زیاد می‌کند. بسیاری از افراد در جلوی خانه و منبرشان، به مردم شربت یا شیر می‌دهند.

۲. مراسم «هفت کلکه»: این مراسم نیز مانند «چهل منبر» است، با این تفاوت که منبرها در جلوی مساجد برپا می‌شود و بر روی آن‌ها شمع و سکه می‌گذارند. صاحب مراسم (نذر) باید سید (اولاد پیامبر) باشد.

۳. مراسم «زاری زاری»: این مراسم نیز توسط اهالی هر محله به طور جداگانه، پس از مراسم عزاداری محله «اردوبازار» شروع می‌شود. افراد به تمام محله‌ها و قبرستان‌های شهر رفته، به مویه و زاری در غم شهادت امام حسین علیه السلام مشغول می‌شوند. این مراسم تا نزدیک اذان صبح ادامه می‌یابد.

۴. مراسم «ملائکه»: این مراسم، که در زمان‌های قدیم، توسط افراد محله «پرده‌سر» در شب یازدهم اجرا می‌شد، امروزه منسوخ شده است. مراسم این‌گونه آغاز می‌شد که مجسمه‌ای بدون سر و خونین را به جای امام حسین علیه السلام در تابوت می‌گذاشتند. در زیر مجسمه، یکی از اهالی ریز نقش، دراز می‌کشید. شخصی دیگری که نقش بجدل (از یاران یزید) را بازی می‌کرد، برای درآوردن انگشتر امام حسین علیه السلام، انگشت آن حضرت را می‌برید، در این زمان، شخصی که زیر مجسمه دراز کشیده بود، مجسمه یا نعش بدون سر را بلند می‌کرد و اذان می‌گفت.

۵. مراسم «قوم بنی‌اسد»: این مراسم توسط مردم محله «خمیر کلایه» اجرا می‌شود. شب پس از عاشورا (شب دوازدهم یا روز سوم قتل امام حسین علیه السلام) افرادی به جای قوم بنی‌اسد با لباس عربی و پارو به دست، برای دفن اجساد شهدا می‌آیند و این اشعار را می‌خوانند:

ای قوم بنی‌اسد بیایید
نعش شهدا دفن نمایید

روستاهای اطراف به شهر می‌آیند. بنابراین، مردم شهر بر اساس تقویم، در شب‌های متفاوت به محلات مزبور می‌روند تا شاهد اجرای مراسم خاص آن محله و در عین حال، همراهی با دسته‌های عزا شوند. در قدیم، برخی از محلات مراسم تعزیه برگزار می‌کردند، بدین صورت که داستانی از واقعه کربلا را به چند بخش تقسیم می‌کردند و هر بخش آن را در یک محله انجام می‌دادند. بنابراین، تنها کسانی که از ابتدا تا انتهای مراسم با برگزارکنندگان تعزیه همراه می‌شدند از چندو چون اتفاقات موجود در داستان آگاه می‌گردیدند.

ترتیب اجزای دسته‌ها در مراسم عزاداری

هنگام حرکت دسته‌های عزادار هر محله، ترتیب اجرای دسته‌ها به شرح ذیل است:

۱. پرچم و علم؛
۲. طبل و شیپور و کرنا (گرنی)؛
۳. بزرگان محله (که به هنگام ورود دسته به هر محله توسط بزرگان محله میزبان استقبال می‌شوند)؛
۴. زنجیر زنان با مداح اهل بیت (ع)؛
۵. علم بزرگ (که توسط علم محله میزبان استقبال شده، پس از رویارویی به آن سلام می‌دهد و در ابتدا، علم مهمان و پس از آن علم میزبان به مسجد محله وارد می‌شود)؛
۶. سینه‌زنان: در مسیر حرکت، با شعرهای مخصوص به صورت آرام سینه می‌زنند. در مرکز محله‌ها و همچنین در چند مرحله در مسیرهای حرکت، گاه با ریتمی تند سینه می‌زنند، می‌نشینند، می‌خوانند، برمی‌خیزند و دوباره در عین حرکت، به آرامی سینه می‌زنند.

غذای مراسم عزا

مردم هر محله در شب مراسم محله خودشان، شام می‌پزند و به مسجد می‌دهند. در سالیان گذشته، غذا در محلات، متفاوت بود و این نیز از نشانه‌های تفکیک محلات و تشخیص آن‌ها بود. غذای مخصوص هر محله در درون مجمعه‌هایی به مسجد فرستاده می‌شد و همه عزاداران پس از بازگشت از مراسم در مسجد، گرد مجمعه‌ها می‌نشستند و با یکدیگر غذا می‌خوردند، با این اعتقاد

که در عزای امام حسین علیه السلام، غنی و فقیر با یکدیگر تفاوتی ندارند و یکی هستند. بنابراین، با آداب و ترتیبی مشترک، پذیرایی می‌شدند. امروزه تنوع غذایی از میان رفته و قوت غالب آبگوشت است که مانند گذشته، برای همسایه‌ها نیز فرستاده می‌شود.

کرب، شب هشتم در محله «شعربافان»

مراسم «کرب» از مراسم مخصوص محله «شعربافان» در شب هشتم ماه محرم است و مسجد محله، نقطه آغاز و پایان مراسمی است که در ادامه ذکر می‌شود:

«کرب» در اصل، به معنای «غم و غصه» است. بنابراین، اطلاق لفظ «کرب‌زنان» نادرست و «کرب‌داران» صحیح است. مراسم کرب جزئی از عزاداری امام حسین علیه السلام در لاهیجان است که از به هم زدن دو تکه چوب تشکیل می‌شود و فلسفه آن به چند روز پس از شهادت امام حسین علیه السلام و در دار الخلافه یزید بازمی‌گردد. یزید سر امام حسین علیه السلام را با چوب خیزران (به منظور تحقیر ایشان) به مهمانان خود نشان می‌داد و درباره آن، داستان‌های دروغ می‌بافت. پس از این واقعه حضرت زینب علیها السلام به وی پرخاش می‌کرد و وی را به دروغ و هجو متهم می‌نمود. مردمی که در بیرون دار الخلافه بودند با شنیدن صدای حضرت زینب علیها السلام شروع به اعتراض کردند برای اینکه صدای اعتراضشان به اسارت خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله، به گوش یزید برسد، از کوبیدن دو تکه سنگ به هم استفاده کردند. در حال حاضر، کرب زدن (کوبیدن دو تکه چوب به هم)، تداعی‌کننده آن واقعه است. امروزه در برخی شهرها مانند زنجان، شهر سامان در استان چهارمحال و بختیاری و نیز روستاهای اطراف لاریجان، بندپی و آقاملک در استان مازندران، با زدن دو تکه چوب به هم، که به اشکال گوناگون می‌سازند، اجرا می‌شود. این نوع عزاداری از ادوار گذشته در لاهیجان نیز برگزار می‌گردید؛ اما در سال ۱۲۸۶ خورشیدی توسط یکی از خادمان امام حسین علیه السلام به نام محمد ابراهیم غبرایی متخلص به «فانی» با روشی جدید از نظر شکل چوب، مرثیه‌ها (مرثیه‌ها) و سبک، اجرا می‌شود. وی در ۲۵ سالگی، شکل چوب‌های صاف را تغییر داد و به صورت مدور (استوانه‌ای) درآورد، پس از آن، مرثیه‌هایی را برای کرب زدن سرود و با اجازه بزرگان محل، عده‌ای از اهالی محله «شعربافان» را در بقعه «آقا سید محمد یمنی» تعلیم داد. از محرم همان سال، عزاداری با سبک نو در شب هشتم ماه محرم و روز قتل، اجرا می‌شود. (تصاویر ۳ و ۴)



تصویر (۳): بیرق کرب زنان محله «شعربافان» تصویر (۴): تجمع کرب زنان محله «شعربافان»

ساختار کرب

امروزه کرب از دو تکه چوب مدور به شکل استوانه به قطر ۱۰-۷ سانتی‌متر (متغیر بر اساس ابعاد دست افراد و میزان مهارت آن‌ها در زدن کرب) و به وزن تقریبی ۴۰۰-۶۰۰ گرم (متغیر بر اساس نوع چوب) ساخته می‌شود. مناسب‌ترین چوب برای ساختن کرب، چوب خشک شده در ختان توت، سنجد و افرای کهن سال است. به نظر می‌رسد سبک بودن، مقاومت و تاب شکنندگی و نیز سهولت چرخش در دست، از عوامل این انتخاب‌ها باشد: (چوب افرای جوان به علت شکننده بودن، قابل استفاده نیست). کرب اولیه دو تکه چوب بدون تسمه و بند بود؛ چون نگه داشتن این تکه چوب مدور در دست سخت بود، به مرور زمان، بندی چرمی به آن اضافه کردند که این تسمه‌ها از چرخیدن چوب در دست جلوگیری می‌کند و درست به همین سبب، عامل ایجاد تاول می‌شود. اکنون بعضی از کرب‌داران از چوب بدون تسمه استفاده می‌کنند؛ اما بیشتر افراد کرب تسمه‌دار را به سبب سهولت نگه‌داری در دست، ترجیح می‌دهند. (تصویر ۴) در صورت بروز ترک در چوب کرب، دمبه گوسفند را حرارت داده، مایع را در ترک می‌ریزند. پس از خودگیری، روی آن را چسب کاغذ زده، با گیره نعلی شکل برق، بست می‌دهند.



تصویر (۴): کرب و تسمه چرمی

الف. آهنگ

آهنگ اشعار و نحوه خواندن آن با روند زدن کرب متناسب است و برای خواندن آن، باید از آهنگی خاص پی‌روی کرد. این آهنگ در مراسم کرب، به چند نوع یک ضرب، دو ضرب، سه ضرب و چند ضرب تقسیم می‌شود. در آهنگ یک ضرب، در هر حرکت یک بار، در دو ضرب در هر حرکت دو بار و... کرب‌ها را به هم می‌زنند. دیده شده است که فقط در مواقع خاص - مثلاً، هنگامی که دسته به مرکز محله‌ها می‌رسد - بخش کوتاهی به صورت حرکت سه ضرب و یا بیشتر اجرا می‌شود. به نظر می‌رسد علت این امر آن است که در حرکت سه ضرب و بالاتر، به سبب سرعت ضربه، هماهنگی با آهنگ و نواخت، برای گروه مشکل باشد. از این‌رو، در طول مسیر، برای هماهنگی از نواخت‌های ساده‌تر پی‌روی می‌شود.

ب. شکل‌های متفاوت کرب زنی

روش اول: در حالت ایستاده و نیز راه رفتن، کرب‌ها را به آرامی در جلوی سینه به هم می‌زنند.

(تصویر ۵)



تصویر (۶): روش متداول زدن کرب (روش اول) در حین راه رفتن

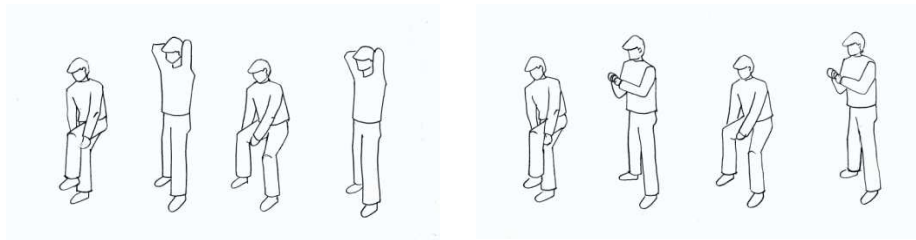
روش دوم: در حین راه رفتن، یک بار کربها در جلوی سینه به هم زده و در مرحلهٔ بعد خم شده، کربها را در جلوی زانوها به هم می‌زنند. (تصویر ۶)



تصویر (۶): روش متداول زدن کرب (روش دوم) در حین راه رفتن

روش سوم: در حین راه رفتن، ابتدا کربها را جلوی سینه به هم زده، سپس یک قدم برداشته، کربها را در پشت زانوی راست به هم می‌زنند. آنگاه گام بعدی را برداشته، کربها را در جلوی سینه به هم زده، با گام چهارم کربها را در زیر زانوی چپ می‌زنند. روش چهارم: در حین راه رفتن، مانند روش سوم کرب می‌زنند، با این تفاوت که کربها را به جای جلوی سینه، در پشت سر می‌زنند. (تصاویر ۷ و ۸)

تا قریب چهل سال قبل، مرسوم بود که دو نفر از عزاداران تمام مسیر را با زانوها (که به آن زانوبند چرمی می‌بستند) حرکت کرده، کرب می‌زدند.



تصاویر (۷) و (۸): روش‌های متداول زدن کرب (سوم و چهارم) در حین راه رفتن

ج. مسیر حرکت

مسیر حرکت کربداران در روزهای هشتم و دهم محرم متفاوت است. این مسیر در شب هشتم از محلهٔ «شعربافان» آغاز می‌شود. عزاداران از محله‌های «آقا امیر شهید»، «اردو بازار»،

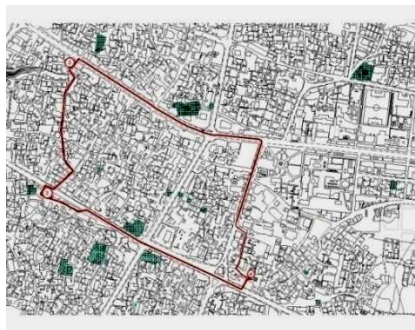
«خمیرکلایه»، «کاروان‌سرابر»، «پرده‌سر»، «گابنه» و «میدان» می‌گذرند و در انتها، دوباره در زیر مناره مسجد محله «شعربافان» جمع می‌شوند. مراسم مزبور از ساعت ۷ غروب آغاز می‌شود و تا نیمه شب به اتمام می‌رسد.

این مسیر در روز قتل، متفاوت است. کربداران در این روز، راه کوتاه‌تری را انتخاب کرده، به بقعه «آقا میر شهید» نمی‌روند. بدین سان، مسیر حرکت از «شعربافان» آغاز شده، سپس «اردو بازار»، «خمیرکلایه»، «کاروان‌سرابر»، «پرده‌سر»، «گابنه»، «میدان» و دوباره در «شعربافان» پایان می‌یابد. به نظر می‌رسد علت این امر کوتاه کردن زمان برای اجرای مراسم است؛ زیرا گروه‌های عزادار زیاد است و این تعدد امکان تداخل مراسم محلات با یکدیگر را زیاد می‌کند.

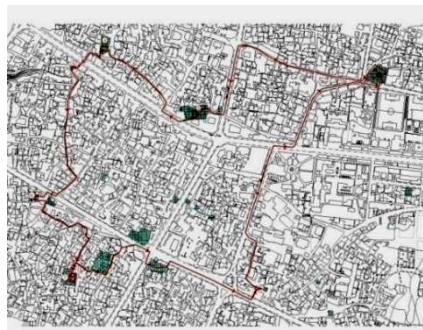
طبق عرف عزاداری دهه اول محرم، کربداران باید پیش از سینه‌زنان و زنجیرزنان حرکت کنند. به نظر می‌رسد که این امر به آن علت اتفاق می‌افتد که حرکت کربداران پس از دسته‌های دیگر کند شونده و در نتیجه، بر هم زنده ریتیم و تسلسل اشعار است. آنچه امروزه این گروه را از دیگر دسته‌ها منفک و متمایز می‌کند، اجتناب آنان در استفاده از دستگاه‌های تقویت کننده صداست که به کارگیری آن در دیگر دسته‌های عزاداری بسیار رایج است.

این مراسم از قریب ۹ صبح آغاز می‌شود و تا قریب ۲ بعد از ظهر به طول می‌انجامد.

(تصاویر ۹ و ۱۰)



تصویر (۱۰): مسیر کربداران در روز دهم محرم



تصویر (۹): مسیر کربداران در روز هشتم محرم

کربداران غالباً در دو ردیف موازی و با فاصله‌ای مشخص حرکت می‌کنند و کرب‌ها را به هم می‌زنند. در این میان، اشعاری که توسط محمد ابراهیم غبرایی متخلص به «فانی» سروده شده است،

توسط افرادی خاص، که در میان دو ردیف از کربداران حرکت می‌کنند، خوانده می‌شود و کربداران، که باید از اهالی محله «شعربافان» باشند، بخش‌هایی از آن را هم‌نوایی می‌کنند. زیباترین بخش این مراسم بخش اختتامیه آن در محله «شعربافان» است که با شور و حرارت بسیار به صورت دو ضرب و سه ضرب اجرا می‌شود.

د. اشعار

با توجه به ریتم خاص زدن کرب، در اشعار این مراسم، نمی‌توان دست برد و آن‌ها را کم یا زیاد کرد. این اشعار بر اساس زمان عزاداری تنظیم شده است. با توجه به اینکه برخی اشعار برای نشستن یا ایستادن تنظیم شده است، نمی‌توان از آن به صورت متفاوت استفاده کرد. اشعار سرپایی کوتاه است و اشعاری را که در سه ضرب می‌خوانند، طولانی است. یکی از اشعار بسیار سنگین که با دو ضرب خوانده شده و باید با خم شدن و ایستادن مدام تکرار گردد عبارت است از: «یا حسین ای کشته تیر جفا، ای شهید تشنه در راه خدا»، و سه ضرب: «فکنده ناگه یکی ز کفار، خدنگ آمد به گلوی نازینش بنشست و خون روان شد ز حلق اصغر».

ه. متن مرثیه‌ها

۱. ایا ساقی کوثر: مرثیه «ایا ساقی کوثر» دو ضرب و در شب هشتم محرم، در زمان راه رفتن (به حالت خم و راست شدن) خوانده می‌شود. از این مرثیه، بیش از مرثیه‌های دیگر استفاده می‌شود. دیگر اشعار سروده شده در این باب به شرح ذیل است:

(۱)

ایا ساقی کوثر	تا خوانده قضانامه اقبال شهادت
ایا ساقی کوثر	بگشود ز دیوان قدر حال شهادت
ایا ساقی کوثر	بر نام حسین آورد احوال شهادت

(۲)

ایا ساقی کوثر	ای شه سواره فرس دوش پیمبر
ایا ساقی کوثر	جان و دل و پرورده آغوش پیمبر
ایا ساقی کوثر	وی شربت شیرین لب نوش پیمبر

- (۳)
- نامه همه دادند که آن قوم لعینان
- ایا ساقی کوثر
از بهر حسین بن علی، مظهر سبحان
- ایا ساقی کوثر
از ما تو بکن یاد، در این وادی ویران
- ایا ساقی کوثر
- (۴)
- از مگه برون پای نهاده شه بطحا
- ایا ساقی کوثر
با عترت اطهار رسول، زاده زهرا
- ایا ساقی کوثر
با خواهر محنت‌کش خود، زینب کبرا
- ایا ساقی کوثر
- (۵)
- بستید چرا از ره کین، آب روان را؟
- ایا ساقی کوثر
نوشید از این آب روان فرقه اعدا
- ایا ساقی کوثر
مهریه زهرا بود از خالق یکتا
- ایا ساقی کوثر
- (۶)
- قرآن نخواندید شما فرقه کافر
- ایا ساقی کوثر
بستید کمر از پی قتلش همه یکسر
- ایا ساقی کوثر
ای قوم مگر نیست حسین سبط پیمبر
- ایا ساقی کوثر
- (۷)
- امروز چنان تیغ کشم در صف میدان
- ایا ساقی کوثر
چون برگ خزان سر بفشانم ز لعینان
- ایا ساقی کوثر
پهلوی بشکافم به سنان از تن خصمان
- ایا ساقی کوثر
- (۸)
- شمشیر شرر باز ز نم بر سر کفار
- ایا ساقی کوثر
سرها به زمین افکنم از قوم جفاکار
- ایا ساقی کوثر
حیدر نسیم باشد ایا قوم ستم‌کار
- ایا ساقی کوثر
- (۹)
- شه زاده علی اکبر مه شبه پیمبر
- ایا ساقی کوثر

- (۱۰) روکن به صف لشکر و با صولت حیدر
تا آنکه دهی تشنه سر اندر ره داور
- ایا ساقی کوثر
- ایا ساقی کوثر
- (۱۱) عباس علمدار، ایا میر دلاور
آبی برسان بهر صغیرش علی اصغر
لب تشنه بود عترت زارش همه مضطر
- ایا ساقی کوثر
- ایا ساقی کوثر
- ایا ساقی کوثر
- (۱۲) سلطان جهانی که شدی بی کس و تنها
امروز دهی تشنه و عطشان سر و جان را
صد پاره تنت می شود از فرقهٔ اعدا
- ایا ساقی کوثر
- ایا ساقی کوثر
- ایا ساقی کوثر
- (۱۳) ای نور دل فاطمه، خون بار چرایی؟
بی مونس و بی یار و مددکار چرایی؟
افتاده در این دشت بلا، زار چرایی؟
- ایا ساقی کوثر
- ایا ساقی کوثر
- ایا ساقی کوثر
- (۱۴) او همچو خلیلی ست که افتاده در آذر
نعش شهدا را بنگر با تن بی سر
هفتاد و دو تن گشته شهید در ره داور
- ایا ساقی کوثر
- ایا ساقی کوثر
- ایا ساقی کوثر
- (۱۵) افتاده تنت غرقه به خون در کف میدان
آتش بزدند خرگه تو قوم لعینان
زینب پی طفلان بدود زار، پریشان
- ایا ساقی کوثر
- ایا ساقی کوثر
- ایا ساقی کوثر
- ای زاده زهرا که تویی سبط پیامبر
در ماتم تو نوحه گر است فانی مضطر
شو شافی او روز جزا عرصهٔ محشر
- ایا ساقی کوثر
- ایا ساقی کوثر
- ایا ساقی کوثر

۲. ای زاده خیر النساء: این مرثیه نیز در شب هشتم و روز قتل خوانده می‌شود (در زمان راه رفتن یا به صورت ایستاده) و یک ضرب یا چند ضرب است.

ای زاده خیرالنسا سلطان بی‌یاور (۲)	لب تشنه دادی جان و سر اندر ره داور
آبی که بوده مهر زهرا مادر زارت (۲)	شد منع بر اطفال تو، ای سبط پیغمبر
اندر لب آب روان اندر تف گرم (۲)	دادی سرت را از قفا بناوک خنجر
جانا شده زخم تنت از صد هزار افزون (۲)	عریان فتاده پیکرت در خاک و خون بر سر
غارت نمودند از تنت آن کهنه پیراهن (۲)	بجدل برید انگشت تو از بهر انگشت
نالم به رأست یا اخی یا آن تن صد چاک (۲)	بر روی نعش بی‌سرت مرغان گشاده پر
رأست گهی بالای نی‌گه مطیخ خولی (۲)	اطفال تو خونین جگر بی‌چادر و معجر
ای شاه بی‌غسل و کفن، نور دو چشمانم (۲)	بگشا نظر یک لحظه‌ای بر جانب خواهر
جانا تو را پرورده‌ام از شیرۀ جانم (۲)	نابرده‌ام از تو ثمر، ای رأس بی‌پیکر
قربان ریش غرق خونت کشته اعدا (۲)	«فانی» ز داغت می‌زند بر سینه و بر سر

۳- ای وای حسینم: مرثیه «ای وای حسینم» نیز در شب هشتم و روز قتل اجرا می‌شود. در زمانی که دسته خسته شده یا به مانعی برخورد می‌کند، می‌ایستند و این شعر را ایستاده خوانده، کرب‌ها را بدون خم و راست شدن، به هم می‌کوبند.

ای وای حسینم، ای وای حسینم، ای وای حسینم، ای وای حسینم
 در کرب بلا کشته شده نور دو عینم، ای وای حسینم، ای وای حسینم
 مظلوم حسینم، ای وای حسینم، لب تشنه حسینم، ای وای حسینم
 بی‌کفن حسینم، ای وای حسینم، سر جدا حسینم، ای وای حسینم
 ای وای حسینم، ای وای حسینم، ای وای حسینم، ای وای حسینم
 در کرب بلا کشته شده نور دو عینم، ای وای حسینم، ای وای حسینم
 عباس رشیدم، ای وای حسینم، شد قطع امیدم، ای وای حسینم
 آبی نچشیدم، ای وای حسینم، داغت بچشیدم، ای وای حسینم
 ای وای حسینم، ای وای حسینم، ای وای حسینم، ای وای حسینم
 «فانی» ز غمت نوحه‌گر است نور دو عینم، ای وای حسینم، ای وای حسینم

۴- زهرا به افغان: مرثیهٔ «زهرا به افغان» در شب هشتم و نیز در روز قتل استفاده می‌شود که به علل ذیل، اجرای آن بسیار دشوار است: اول اینکه به خاطر سه ضرب بودن این قطعه، کرب زدن در زیر پا یا در حالت نشسته مشکل است. و دوم اینکه اهالی محلهٔ «شعربافان» مانند گذشته، برای زدن کرب آموزش نمی‌بینند، به همین سبب، امروزه این مرثیه به ندرت، خوانده می‌شود.

زهرا به افغان، گریان و نالان (۲)

ریزد به سر خاک عزا بهر شهیدان، ایا پیمبر، ایا پیمبر

اجماع شیعه، تو مستمع باش (۲)

تا که بگویم به شما، ز جور آن قوم دغا، چه‌ها نمودند به آل حیدر، چه‌ها نمودند به آل حیدر

بگفته زهرا، با چشم گریان (۲)

به نعش بی‌سر حسین، با آه و افغان، عزیز مادر، عزیز مادر

علی اکبر، شبه پیامبر (۲)

شهید شد راه خدا، سر ز تنش گشت جدا، عزیز خواهر، عزیز خواهر

سردار لشکر، میر دلاور (۲)

سقای دشت کربلا، دو دست تو گشته جدا، جوان برادر، جوان برادر

فکند ناگه یکی ز کفار (۲)

خدنگ آمد به گلوی نازنینش بنشست و خون روان شد، ز حلق اصغر، ز حلق اصغر

جمع الافلاک از این مصیبت (۲)

«فانی» ز بهر شهدا، همیشه در آه و نوا، به حق داور، به حق داور

۵- یا حسین، ای کشتهٔ تیغ جفا: مرثیهٔ «یا حسین ای کشتهٔ تیغ جفا» در روز عاشورا در هنگام

راه رفتن خوانده می‌شود و دو ضرب است:

یا حسین، ای کشتهٔ تیغ جفا، ای شهید تشنه در راه خدا

یا حسین، ای شاه مذبوح القفا، کشته گشتی در زمین پر بلا

یا حسین، ای کشتهٔ تیغ جفا

ای به قربان لب عطشان تو، جان فدای پیکر عربان تو

غرق خون شد یاور و یاران تو، شد سر پاکت به روی نیزه‌ها
یا حسین ای کشته تیغ جفا
شد لب لعل تو از گرما کباب، سر بریدند تشنه‌ات در جنب آب
بی‌کفن افتاده جسمت بر تراب، شد تنت از سُم مرکب توتیا
یا حسین، ای کشته تیغ جفا
نوجوانانت به خون غلطان همه، سر جدا از خنجر عدوان همه
عترت غم‌دیده‌ات گریان همه، گلستانت رفته بر باد فنا
یا حسین، ای کشته تیغ جفا
حلق اصغر چاک شد از تیر کین، مادر نالان او زار و غمین
دست عباست جدا روی زمین، تشنه لب سر از تنش کردند جدا
یا حسین، ای کشته تیغ جفا
کودکانت جمله در سوز و عطش، هر یکی را دل فتاده در تپش
جملگی از تشنگی در ضعف و غش، آب مهر مادرت خیر النساء
یا حسین، ای کشته تیغ جفا
رأس پر خونت گهی بالای نی، گاه در کنج تنور و بزم می
عترت غم‌دیده‌ات نالان ز پی، در به در در کوچه و بازارها
یا حسین، ای کشته تیغ جفا
دختران و خواهرانت نوحه‌گر، جملگی خوار و اسیر و در به در
سوی شام و کوفه زار و خون جگر، «فانی» غم‌دیده در آه و نوا
یا حسین، ای کشته تیغ جفا

۶- ای وای وا مصیبتا: مرثیه «ای وای وا مصیبتا» در شب هشتم و روز عاشورا خوانده می‌شود. به سبب سه ضرب بودن، اجرای آن مشکل است و در زمان بازگشت دسته به محله «شعربافان» اجرا می‌شود. این مرثیه در گذشته در محله «کاروان‌سرابر» هم اجرا می‌شد. الف آخر «ای وای وای مصیبتا» باید با زدن کرب در زیر پای چپ همزمان باشد.

نتیجه

با توجه به تاریخچه شهر لاهیجان، فراز و فرودهای تاریخی این شهر، گرایش مردم به تشیع، نقش اولیا و در نتیجه، بقاع متبرگ در مناسک دهه محرم بسیار چشمگیر و انکارناشدنی است، به گونه‌ای که با وجود هسته اولیه هفت‌گانه شهر، به سبب قرب «میرشهید سیدی»، از سادات زیدی، نزد اهالی منطقه و شاخص بودن این بقعه، محله‌ای به این نام خوانده شد و موجودیت یافت. اهمیت ماه محرم نزد مذهب تشیع، موجد آیینی با نام «کرب‌زنی» در سوگ امام سوم شیعیان گردید. این پیشینه صرفاً عاشورایی بنا بر اقوال، از کوفتن دو تکه سنگ در زمان شهادت امام حسین علیه السلام آغاز گردید و به کوفتن دو تکه چوب به نام «کرب» تغییر شکل داد. طبق مطالعات اولیه نگارندگان، نواختن کرب در ایام سوگواری دهه اول محرم، واجد آدابی مخصوص است که این ویژگی‌های منحصر به فرد، که شامل ساختار فیزیکی کرب، روش‌های کرب‌زنی، اشعار و مسیرهای حرکت عزاداران است، از علل گردآوری و مستندنگاری کرب‌زنی در این مقاله گردید.

مناسب‌ترین چوب برای ساختن کرب، چوب خشک شده درخت توت است که سبک بودن، مقاومت و دیرشکنندگی و نیز سهولت چرخش در دست، از عوامل انتخاب این نوع از چوب است. کرب اولیه، تکه‌های چوب بدون تسمه و بند بود؛ اما چون نگه داشتن این تکه چوب مدور در دست سخت بوده، به مرور زمان، بندی چرمی به آن اضافه کرده‌اند که این تسمه‌ها از چرخیدن چوب در دست جلوگیری می‌کند و درست به همین سبب، عامل ایجاد تاول می‌گردد. علت دیگر استفاده از تسمه در ساختار کرب، احتمال جدا شدن آن از دست کرب‌دار و در نتیجه، عدم کارایی آن است. امروزه برخی از کرب‌داران از چوب بدون تسمه استفاده می‌کنند. اما بیشتر افراد، کرب تسمه‌دار را به سبب سهولت نگه‌داری در دست، ترجیح می‌دهند.

آهنگ اشعار و نحوه خواندن آن با روند زدن کرب همخوانی دارد و برای خواندن اشعار، باید از آهنگ‌هایی خاص پی‌روی کرد. این آهنگ‌ها شامل یک ضرب، دو ضرب، سه ضرب و چند ضرب است. در آهنگ یک ضرب، در هر حرکت یک بار، و در دو ضرب در هر حرکت دو بار، کرب‌ها را به هم می‌زنند. دیده شده است که فقط در مواقع خاص - مثلاً، در مرکز محله‌ها - بخش کوتاهی به صورت حرکت سه ضرب و یا بیشتر اجرا می‌شود. علت این امر آن است که در

حرکت سه ضرب و بالاتر، به سبب سرعت ضربه و نیز عدم آموزش افراد، هماهنگی با آهنگ برای گروه مشکل است. از این رو، در طول مسیر از آهنگ‌های ساده‌تر استفاده می‌شود. در مراسم عزای کربداران، مسیرهای حرکت از محلهٔ «شعربافان» آغاز و با توجه به تفاوت مسیرها در روز هشتم و عاشورا، به همان محله ختم می‌شود. عزاداران در روز دهم، مسیر کوتاه‌تری را انتخاب می‌کنند که به نظر می‌رسد علت آن، کوتاه کردن زمان اجرای مراسم است؛ زیرا تعداد گروه‌های عزادار، امکان تداخل مراسم محلات با یکدیگر را زیاد می‌کند. طبق عرف عزاداری دههٔ اول محرم کربداران باید پیش از سینه‌زنان و نیز زنجیرزنان حرکت کنند. این امر به این علت اتفاق می‌افتد که حرکت کربداران پس از دسته‌های دیگر موجب کندی و در نتیجه، برهم خوردن تسلسل اشعار و آهنگ می‌شود. آنچه امروزه این گروه را از دیگر دسته‌ها منفک و شاخص می‌کند عدم استفادهٔ آنان از دستگاه‌های تقویت‌کنندهٔ صداست که به کارگیری آن در دیگر دسته‌های عزاداری رایج است.

فهرست منابع

۱. حاوود العالم من المشرق الى المغرب، منوچهر ستوده، تهران، طهوری، ۱۳۶۲.
۲. رابینو، ه. ل، ولایات دارالمرز ایران، گیلان، جعفر خمافی زاده، رشت، طاعتی، ۱۳۷۴.
۳. ستوده، منوچهر، از آستارا تا آستاراآباد، ج ۲: آثار و بناهای تاریخی گیلان - بیه پیش، تهران، آگاه، ۱۳۵۱.
۴. سرتیپ پور، جهانگیر، نامها و نامدارهای گیلان، رشت، طاعتی، ۱۳۷۱.
۵. عباسی، هوشنگ، گیلان در سفرنامه‌های سیاحان ایرانی، رشت، فرهنگ ایلیا، ۱۳۸۶.
۶. فاخته، قربان، تاریخ گیلان پس از اسلام، رشت، فرهنگ ایلیا، ۱۳۸۶.
۷. فخّاری تهرانی، فرهاد، «نقشه شهر لاهیجان»، مجله‌اثر، ش ۳۴ و ۳۳، ص ۳۴۷-۳۵۱، ۱۳۸۱.